

تماشاخانه

برای بازیگر و معلم بزرگ: بانو «گلاب ادینه»

عمق ز بیای ظرافت، دانش و خلاقیت



کیومرت مرادی

● گاهی مواقع یک تصویر، یک قطعه شعر، یک نگاه، یک روایت یا یک خاطره تو را با خود به سال‌های دور می‌برد؛ سال‌هایی که تو بودی و نبود. سال‌هایی که تو دربارهاش خوانندهای یا در همان زمان زندگی کرده‌ای. اما باورش سخت است که همه اینها را یکجا داشته باشی و تصور کنی که تمام این نشانه‌ها چگونه و با چه قدرتی تو را به سمت تمام آن تصاویر پرتاب می‌کند. اول بار وقتی او را دیدم ۱۳سال داشتم، در سریالی به نام «سلطان و شبان»، با تمام نوجوانی با سریال، داستان‌ها و شخصیت‌هایش زندگی کردم. تا سال‌ها بعد که دوباره با نام او برخورد کردم در دوران جوانی خود زندگی می‌کردم و دانشجوی سال اول رشته تئاتر بودم. نمایشی که او در مقام استاد، کارگردانی‌اش کرده بود «مرگ یزدگرد» نمایشی که هنوز بااستعدادی که امروز دوستان و همکاران عزیز من هستند. گلاب ادینه نه یک بازیگر که هنرمندی است که با طنزازی در این هنر، چه در مقام بازیگری و چه در مقام عملی کارگردان، چیزهای زیادی را به علاقه‌مندانش ارایه کرده است، او که سال‌ها زمانش را به تربیت بازیگر اختصاص داده است، به خوبی می‌داند که چگونه یک شخصیت را خلق کند و باظرافت هرچه تمام‌تر آن را به اجرا درآورد. در نمایش «بیهوشی سالار جنگ» به زیبایی هرچه تمام‌تر شخصیتی خلق می‌کند که تو را به سال‌های دور پرتاب می‌کند، شما را به اعماق تاریخ ایران می‌برد و دوباره تو را روی صحنه‌ای می‌نشانند. اوج کار بانو ادینه در تمرکز بالای او در صحنه و پرداختن به جزئیاتی است که کمتر بازیگری به آن توجه می‌کند. لحن درست نقش، تصویر درست کاراکتر و استفاده دقیق از تمامی ابزار یک بازیگر توسط اوست که هنر او را در بازیگری نمایان می‌کند. ای کاش بازیگران جوان ما با دقت او را در این نمایش ببیند که چطور بازیگری از مرز بازی کردن یک نقش دور می‌شود و به خلق یک شخصیت می‌رسد. «پیتز پروک» در کتاب خود «زندگی من در گذر زمان» درباره همسرش «اناثاشر پری» می‌گوید او توانایی دارد که مرز خیال و واقعیت را برای تو به یک چشم بر هم زدن اجرا کند و راز قصه‌های پنهان خود را به زیبایی به تصویر کشد. ما در نقش آفرینی بانو ادینه با شخصیت او، غصه‌ها، خنده‌ها و سختی‌هایش همراه می‌شویم. در این مسیر چیزی که نصیب ما می‌شود تکنیک‌های زیبایی است که او از آن بهره می‌برد و با درآمیختن آنها با احساس و تخیل خود راه را برای زندگی شخصیت و داستانش را برای ما ساده، نزدیک و سریع می‌کند. نقش صدا، تخیلی قدرتمند و بدن که با استنادی هر چه تمام‌تر استفاده می‌شود از بارزترین شاخص‌های نقش آفرینی اوست. اینجا لازم است از کلیه اعضای گروه نمایش یاد کنم و چه زیباست که کارگردانی جوان در کنار گروهی از نسل‌های مختلف کنار هم جمع می‌شوند و نمایشی شایسته و صمیمی به مخاطبان تئاتر ارایه می‌کنند؛ نمایشی که به خصوص در حوزه متن، کارگردانی و صد البته بازیگری نمایشی قابل اغناست. اما در پایان ضمن احترام به تلاش گروهی و درست این عزیزان باید بگویم که دین بازی بانو ادینه برای تمامی علاقه‌مندان بازیگری، آموزشی بزرگ است که باید آن را دید و اندیشید که این درخت بزرگ و زیبا چگونه با ظرافت هرچه تمام‌تر خود و ارزش‌های والای خود را نمایان می‌کند.

زیر آسمان فیروززاری

گلایه بر نامه‌سازان از کمبود بودجه ر سانه ملی

● شرق: مدیران رسانه ملی مدت‌هاست که از کمبود بودجه گله می‌کنند و به تهنیدی که در قبال برخی از برنامه‌سازانش دارد به موقع عمل نمی‌کنند. دلیل مدیران هم کم‌شدن اعتبارات سازمانی است که بخش مهمی از درآمدهایش را از آگهی‌های کلانی که در برنامه‌های خود پخش می‌کند تأمین می‌کند. با این همه کمبود بودجه بیش از ۲۰۰ نفر از هنرمندان، نویسندگان و کارگردانان مطرح سینما و تلویزیون کشور را برآن داشت تا با امضای نامه‌های جداگانه‌ای به مقام‌معتبر هبری و روسای جمهور و مجلس خواستار اختصاص بودجه مناسب برای ساخت و تولید برنامه‌های نمایشی شوند.

در این نامه که از سوی نویسندگان گشت درخواست و هشدارنامه‌ای از سوی اندیشمندان، هنرمندان و اصحاب فرهنگ و رسانه به رهبر محبوب ایران؛ مجلس و دولت محترم و رسانه‌های منصف کشور؛ عنوان شده، آمده: «رسالت اصحاب رسانه از یک سو انعکاس اندیشه نخبگان و فرهیختگان جامعه و افکار عمومی و از سوی دیگر ایجاد و اصلاح رفتارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است. قوام و انجام این رسالت نیاز مبرم به برنامه‌ریزی دقیق و کارشناسانه دارد؛ شایسته هیچ ملت و دولتی نیست امور فرهنگی ملتش را دستخوش طوفان‌های سیاسی و خدای ناکرده مصلحت‌های به دور از تدبیر قرار دهد.» زیر این نامه امضای چهره‌های شناخته‌شده‌ای چون مسعود جعفری جوزانی، مرضیه برومند، فریدون جیرانی، علی ژکان، رامبد جوان، مسعود آب‌پور، بهروز افخمی، سروش صحت، بهروز شعبی، محمدحسین لطیفی، ایرج محمدی، مهران مهمان، آرمان زرین کوب، اسماعیل عقیقه، پروانه پرتو، مسعود بهبهانی نیا، حامد علما، مینو فرشچی و... به چشم می‌خورد.

عبدالرضا کاهانی از جمله فیلم‌سازانی است که به‌دلیل رفتارهای مدیران سینمایی دوره قبل با مشکلاتی مواجه شد، به طوری که چالش‌ها و جدل‌هایشان شکلی صریح پیدا کرد شد. معمول شده بود که هر جا بحث ممیزی پیش می‌آمد، فیلمی از کاهانی در آن فهرست جای می‌گرفت و نکته جالب هم این بود که این فیلمساز با تمام توان در برابر این شرایط ایستادگی می‌کرد، به هر شکل داستان به گونه‌ای پیش رفت که کاهانی از ایران رفت و مجبور شد مدتی از فضای هنری کشور دور بماند. اما حالا که شرایط سینما عوض شده، لحن او هم در فراسوی مرزها تغییر کرده است. از لایه‌لای کلماتش در گفت‌وگو متوجه می‌شویم که او هم مثل هر فیلمسازی دوست دارد بدون «درس» فقط فیلم بسازد و به حیات فرهنگی خود ادامه دهد.

**فیلم جدیدتان با عنوان «وقت داریم حالا» کمالا در کشور فرانسه ساخته شده است، علتش چیست؟ آیا به‌علت موانع سازمان سینمایی دولت قبل بوده؟ چرا کشور فرانسه را انتخاب کردید؟**

پس از فیلم «بی‌خود و بی‌جهت» شرایط برای کار کردن فراهم نبود و ترجیح دادم تجربه‌ای جدید در محیطی جدید کسب کنم؛ یک فیلم ساده و جمع‌وجور که شرایط ساختن راحت‌تر شکل بگیرد. چون برای ساخت یک فیلم با پروداکشن بزرگ در فرانسه لاقل سه‌سال زمان نیاز است، در حالی که من آدمی نیستم که سه‌سال برای ساخت یک‌فیلم صبر کنم و هم جنس فیلم‌هایم احتیاج به چنان پروداکشنی ندارد.

**به‌نظر می‌رسد شکل‌گیری فعالیت‌های فیلمسازی شما یکی از عجیب‌ترین نمونه‌هاست. در مدت کوتاه – سه‌سال – به شهرت رسیدید و عین حال فیلم‌هایتان با سانسور مواجه شدند. دو فیلم نخست‌تان اکران نشد و هریک از فیلم‌های بعدی‌تان دچار سرنوشت غمناک و دست‌کم پر تلاطم شدند. ظاهراً تنها فیلم خوش‌عاقبت‌تان «بیست» بود. به‌نظر شما چرا اینگونه است؟**

خیلی دوست ندارم درباره گذشته حرف بزنم و فکر می‌کنم کسانی که سینما را به‌شکل جدی پیگیری می‌کنند، اطلاعات کافی دارند. اساسا دوری کوتاه‌مدت من از سینمای ایران برای جلوگیری از تنش بیشتر بود تا بتوانم در محیطی آرام و به دور از حاشیه فیلم بسازم. برای همین هم – با توجه به قصه – شهری کوچک در فرانسه را برای فیلمبرداری انتخاب کردم

**چرا آقایان سجادیور و شفقردی با شما و نوع ابراهیم حقیقی بداخلاق نیست اما زیاد هم نمی‌خندد با این همه وقتی دوستانش به ناگاه خود را در کادر عسکی که قرار است تصویر تکی او باشد، جای می‌دهند و هر لحظه تعداد آنها بیشتر می‌شوند، خنده‌های او از ته دل دیگران را هم به خنده وا می‌دارد. عصر روز جمعه، ۲۰ آدی گالری علی‌اکبر صادقی (سبز) میزبان جمعیتی بود که برای دیدن گزیده ۴۵سال فعالیت ابراهیم حقیقی آمده بودند. برای واردشدن به گالری که در طبقه دوم قرار داشت، باید در صفی که تا روی پله‌ها کشیده شده بود، می‌ماندید. در ورودی نمایشگاه «کتاب حقیقی» که آن‌هم گزیده‌ای از آثار این هنرمند در فاصله سال‌های ۱۳۴۸ تاکنون بوده، عرضه می‌شد و بازدیدکنندگان گاهی که دوست داشتند کتابشان از سوی او امضا شود، صفی در ورودی نمایشگاه ایجاد کرده بودند. این کتاب در ۳۲۰ صفحه در قطع رحلی و جلدی خاص با مقدمه علیرضا مصطفی‌زاده، مسعود سپهر، هوشنگ گلمکانی و محمودرضا بهمن‌پور، از سوی نشر نظر منتشر شده است. یکی از آنها که کتابش را برای امضا در مقابل حقیقی گرفته، زنی میانسال است که می‌گوید با بسیاری از این پوسترها و طرح‌های روی جلد خاطره دارد. البته در میان بازدیدکنندگان شخصیت‌های فرهنگی از حوزه تجسمی، سینما و ادبیات حضور دارند که می‌توان به سیدمحمد بهشتی، فخرالدین آفر، فرشید مثقالی، نورالدین زرین‌کلک، غلامحسین نامی، غلامرضا نامی، احمدرضا درویش، هوشنگ گلمکانی، ایرج راه، پرویز پورحسینی، امیر اثباتی، سمیرا علیخانزاده، آتوسا قلمفرسایی، مریم زندی، ناهید طباطبایی، فیروز شافعی، علیرضا قهاری، پرویز خاکپور، بهروز پاکدامن، علی خسروی، ساعد مشککی، علی حقیقی، ام‌الله فرهادی، محسن میرزایی، علی ذرقانی، مجید عباسی، علی رشیدی، علیرضا مصطفی‌زاده، بهروز متین‌صفت، عباس یاری، مسعود مهربانی، میثم مولا، علی خورشیدپور، محمودرضا بهمن‌پور، پرویز خاکپور، سهراب سلیمی، هرمز هدایت، حسین ناصری، مجتبی راعی، ساعد نیک‌ذات، رضا حصاد، فرهاد وهرام، همایون امامی، سعید رشتیان، مصطفی رزاق کریمی، کوروش پارسائزاده، اوتیش امین‌الهی و... اشاره کرد. علی‌اکبر صادقی، مدیر گالری که خود از چهره‌های شناخته‌شده نقاشی، گرافیک و انیمیشن است، در نقاط مختلف نمایشگاه قدم می‌زند و به احوالپرسی با هنرمندان دیگر می‌پردازد. یکی از میهمانان گالری او در این روز علی مرادخان، معاون هنری وزارت ارشاد و مجید ملاوروزی، مدیر مرکز هنرهای تجسمی بودند که برای رونمایی از کتاب و بازدید نمایشگاه آمده بودند. ملاوروزی بعد از دیدن آثار حقیقی به «شرق» می‌گوید: «حقیقی یکی از پیشگوسنان حوزه گرافیک است که آثارش همیشه با فرهنگ و هنر پیوند خورده و طراحی‌های روی جلد خیلی از کتاب‌ها، آر‌مها و نشانه ا انجام داده است.**

هنر

عبدالرضا کاهانی در گفت‌وگو با «شرق»:

## فیلمسازی در فرانسه هم صنعت است

فرانک آرتا



تمایی از پشت صحنه فیلم جدید: عکس: مهران هنی

فیلمسازی شما همراه نبودند. به‌طوری که این مساله کمالا در رسانه‌ها انعکاس پیدا کرده بود. تحلیل‌تان از این قضیه چیست؟

با خیلی از مسایل همراه نبودند، یکی من.

**از اینکه حوزه هنری فیلم «بی‌خود و بی‌جهت» را در سالن‌های خود اکران نکرد و فیلمتان جزو شن**

**فیلم تحریمی بود، چه تحلیلی دارید؟**

اشتباه کردند. می‌توانستند در سود

فروش فیلم شریک باشند.

**راستی اگر بار دیگر جایزه گرفتید به آقایان شفقردی و سجادیور تقدیم می‌کنید؟**

آنها برای فیلم‌های قبلی خیلی «زحمت» کشیده بودند. جایزه‌های

بعدی را باید به کسانی تقدیم کنم که

برای فیلم‌های بعدی زحمت بکشند!

**الان که کلا مدیران سازمان سینمایی عوض شده‌اند، تمایل**

**بازگشت به ایران و فیلمسازی در کشور خودتان ندارید؟**

من در سنی هستم که دوست دارم مرتب کار کنم. بنا بر این به‌جایی آمدم که برای ساخت فیلم مجوز نخواست. حالا دوباره دلم برای مجوز تنگ شده و در صورت دریافت آن، فیلم جدیدم را بهار در ایران خواهم ساخت. ضمن اینکه

**بازیگران فیلم «وقت داریم حالا» را چگونه انتخاب کردید؟**

تست گرفتم. به یک دختر ۱۷ساله فرانسوی نیاز داشتم و یک پسر ۲۰ساله ایرانی. تا جایی که زمان داشتم، آدم‌های مختلفی را دیدم و در نهایت به گزینمه‌های موردنظر رسیدم.

**فیلمسازی در فرانسه برای یک خارجی چگونه است؟**

به‌طور خلاصه می‌توانم بگویم فیلمسازی در فرانسه هم مثل همه‌جا سخت است و پروسه‌ای طولانی دارد. برای یک خارجی علاوه بر این موارد، مشکل در تسلط بر زبان و شناخت از فرهنگ هم هست.

**معمولا فیلم‌هایتان به‌دلیل تصمیم‌گیری مسوولان با منع نمایش در جشنواره‌های خارجی مواجه شدند، این مساله تاثیری روی فیلم‌ساختن در خارج از کشور نداشت؟**

طبیعی است که دوست داشته باشم فیلم‌هایم هر چه بیشتر دیده شود. من این حق را بعد از فیلم «بیست» دیگر نداشتم. البته امیدوارم با ساختن این فیلم جریان مافات کرده باشم. وقتی شما برای نمایش خارجی فیلم‌ها محدود شوید، روابط هم محدود خواهد ماند.

**چه تعداد از عوامل فیلمتان ایرانی هستند؟**

از ایران – به‌جز خودم و شیمیا منفرد که مثل همیشه تدوینگر فیلمم بود – فیلمبردارم (معین مطلبی) ایرانی است. این فیلمبردار جوان را به‌تازگی پیدا کرده‌ام و به کارش بسیار علاقه‌مندم. بعضی از دوستان ایرانی دیگری هم که در فرانسه داشتم به کمکم آمدند. در بخش تولید و پست پروداکشن همه عوامل فرانسوی بودند و البته برخی عوامل صحنه

**بخش‌کننده فیلمتان چه کسانی هستند؟ و اساسا از نظر آنها فیلمتان ایرانی است یا فرانسوی؟ چون ظاهراً این موضوع برای فیلم‌هایی که خارج از کشور ساخته می‌شوند، در ایران به معضلی تبدیل شده است؛ همچون فیلم «گذشته، آقای فرهادی»؟**

در مورد پخش‌کننده می‌توانم بگویم که مشغول مذاکرات نهایی هستیم و البته فیلم هنوز آماده نشده که تحویلشان بدهیم. فیلم درواقع محصول ایران و فرانسه است، چون فیلم هم سرمایه‌گذار ایرانی دارد و هم حامیان فرانسوی.

**اولین اکران فیلمتان در کجا خواهد بود؟**

نمی‌دانم. ظرف دو ماه آینده فیلم را تحویل خواهم داد و تمرکزم را به‌جای زمان و مکان اکران، متوجه فیلم بعدی‌ام خواهم کرد.

چهره روز

نام «یوسا» به کتابخانه شهرش رسید



● شرق: نام ماریوس بارگاس یوسا قرار است از جلد کاغذی کتاب‌ها فراتر رود و بر پیشانی یکی از بزرگ‌ترین کتابخانه‌هایی که در زادگاهش افتتاح می‌شود قرار گیرد.

برنده نوبل ادبی ۲۰۱۰ که مدتی است به‌عنوان استاد میهمان در دانشگاه پرینستون نویسنده‌گی خلاق تدریس می‌کند؛ پیش از ۳۰هزار جلد کتاب مجموعه شخصی‌اش را به همراه دست‌نوشته‌هایش که شامل رمان‌ها و مقاله‌هایی است که در طول این سال‌ها نوشته است در اختیار این کتابخانه در شهر «آر‌کیپا» پرو می‌گذارد. شهری که ۷۸ سال پیش در آن متولد شده است.

به گزارش «پرو ۲۱» این کتابخانه در محل کتابخانه محلی شهر افتتاح خواهد شد که به تازگی با افزودن خانه استعماری که در کنار آن قرار داشته است تلفیق شده و بازسازی شده است. کتاب‌هایی که این نویسنده اهل پرو در خانه‌های خود واقع در لیما، مادرید و پاریس نگهداری می‌کند، به زودی به این کتابخانه منتقل می‌شوند.

یوسا شخصاً برای افتتاح این کتابخانه در آوریل به پرو سفر می‌کند؛ سفری که همین حالا با برنامه‌هایی که در بولیوی و چند کشور دیگر برای او تنظیم شده آغاز شده است. او در خلال این سفر در برنامه‌هایی از جمله سخنرانی و کتابخوانی با حضور مردم شرکت می‌کند. سفر یوسا به بولیوی نیز از ۲۲ تا ۲۸ ژانویه به طول می‌انجامد. او در این سفر در کنفرانس «آزادی پایه پیشرفت و آینده» شرکت می‌کند. ماریوس بارگاس یوسا داستان‌نویس، مقاله‌نویس، سیاست‌مدار و روزنامه‌نگار پرو-اسپانیایی است. یوسا یکی از مهم‌ترین رمان‌نویسان و مقاله‌نویسان معاصر آمریکای جنوبی و از معتبرترین نویسندگان نسل خود است. او علاوه بر اینکه به‌عنوان یک داستان‌نویس بزرگ همپای گابریل گارسیا مارکز و فونتنس قرار می‌گیرد، به‌عنوان سیاستمدار نیز مشهور است.

LEON  
Since 1960

## صبحانه در لئون



## شروع روزی متفاوت با صبحانه ای متفاوت

## در لئون

۱۲-۸ صبح

فرشته، سام سنتر

تلفن رزرو: ۴۱ ۳۸ ۶۵ ۲۲

www.leon1960.com